

عالم، دریای جوشان علم است

1392-5-23

اشاره:

آیت الله کاظم صدیقی در سال 1330 در خانواده ای مذهبی در شهرستان ابهر زنجان به دنیا آمد. در سال 1342 به قم عزیمت کرد و در مدرسه علمیه حقانی تحصیلات دینی را آغاز نمود. دروس مقدمات و سطح را در محضر حضرات آیات عظام خزعلی، جنتی، حسنزاده آملی، شهید مفتاح، احمدی میانجی، مشکینی، محمدی گیلانی و دیگر بزرگان تلمذ نمود. دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام شیخ مرتضی حائری یزدی، شبیری زنجانی و وحید خراسانی بهره برد. وی فلسفه اسلامی را نزد آیات عظام جوادی آملی، مصباح یزدی و انصاری شیرازی فراگرفت و نزد شهید بهشتی و حجت الاسلام دکتر احمدی فلسفه غرب آموخت. در مباحث معارفی نیز از محضر بزرگانی مانند آیات عظام بهاء الدینی، بهجت، کشمیری و دیگر بزرگان، بهره جست. ایشان سال 1383، مدرسه علمیه امام خمینی (ره) را در تهران (محلۀ ازگل) پایهگذاری کرد و هم اکنون تولیت این مدرسه علمیه را عهده دار است.

هر محیطی اقتضائات مخصوص به خود را دارد، محیط علمی حوزه ها نیز طبعاً از این قاعده مستثنی نیست، در آغاز بحث تقاضا دارم کمی از اقتضائات علمی حوزه بفرمایید. معاونت پژوهش معتقد است مسأله پژوهش و نویسندگی یکی از مهمترین اقتضائات محیط علمی حوزه است، که معالاسف کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

قرآن کتاب الهی است و نسخه درمان همه دردهایی است که بشر گرفتار است، آنچه برای بشر در امر تحصیل سعادت و قرب الهی لازم بوده است، در این کتاب عظیم آمده است و مسأله قلم در بطن قرآن کریم از یک جایگاه بسیار بلندی برخوردار است. اولین سوره ای که در قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شده، آنجا خدا خودش را وقتی معرفی میکند. «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»، تعلیم الهی به وسیله قلم، این به مسلمانان چه می خواهد بگوید، جز این است که قلم ذخایر گذشتگان را به آیندگان منتقل میکند؟ جز این است که نسل موجود از طریق قلم میتوانند اضافاتی بر گذشتگان داشته باشند و ضمیمه کنند و برای آینده گان کالاهای بهتری را به جای بگذارند؟ علاوه بر اینکه صاحب قلم بودن تخلق به اخلاق الله است، نشر معارف، انتقال انوار قلبی و نیت انسان از طریق قلم و زبان عملی است لذا در روایات هم داریم که عالم در دو جبهه با دو اسلحه می تواند در مقابل ظلمات جهل و کفر قرار بگیرد، جهاد بالبنان و جهاد بالبیان، مجتهد مجاهد است و جهاد بدون قلم، عملی نیست و جهاد از برترین عبادت هاست.

وظیفه طلاب در اینجا چگونه تصویر می شود؟ یک وقت بحث تکلیف است، یک وقت ترسیم اهمیت خطیر تکلیف در عرصه علم. در آیه کریمه سوره قلم که اصلاً یک سوره مشرف به این اسم است، در آنجا هم پروردگار قسم یاد میکند: نون والقلم و ما یسطرون، هم خود قلم و هم تولید قلم مورد قسم حضرت حق قرار گرفته است. اگر طلبه آمده که بندگی یاد بگیرد و دروس بندگی باید از قرآن کریم بیاموزد، جز اینکه صاحب قلم و با قلم مانوس شود چاره ای دیگر ندارد و در غیر این صورت متخلق به اخلاق الهی نیست و عملاً نسبت به اهتمام قرآن به قلم، بیتوجهی کرده است. امیرالمومنین (ع) خود کاتب وحی بودند، اینکه آیات قرآن از پیامبر اکرم (ص) مطرح میشد حضرت امیر (ع) آن را کتابت میکردند، جبرئیل بر قلب حضرت زهرا (س) نازل میشد، صحیفهای را حضرت زهرا (س) در مخزن قلب پاکشان داشتند، امیرالمومنین کاتب بود و این کتابت برکت کرده که امروز در پیشگاه حضرت امام عصر (عج) این گنجینه عظیم الهی موجود است. این یک بُعد قضیه است که اساساً یک طلبه برای جهاد آمده برای مقابله با انواع مفاسد و مظالم آمده که قائم باشد، اسلحه یک طلبه قلم اوست و بدون این سلاح جهاد او جهاد ناقصی است جهاد کامل وقتی است که یک طلبه این دو اسلحه را در حد اعلا داشته باشد. هم سلاح بیان و هم سلاح قلم. حضرات معصومین (علیهم السلام) شاگردانشان را مأمور میکردند که احادیثشان را بنویسند و در روایت هست که حضرت امام حسن مجتبی (ع) به کودکان و نوجوانان فرمودند شما امروز صغار قومید، شما در آینده جزء رجال مملکت خواهید بود. بنابراین آنچه که یاد میگیرید بنویسید تا برایتان بماند. این روایت یا درایت فردی اگر به کتابت نیاید و قید نشود میگریزد و از بین میرود. آن قیدی که علم را پاکیر میکند و نمیگذارد فرار کند آن قلم است. قلم آن قدر مهم است که انسان را به مقام شهود می رساند. خدا به قلم قسم خورده. در این راستا یعنی جهاد با قلم که جهاد جهادان؛ جهاد بالبنان و جهاد بالبیان. علمای بزرگوار ما، افتخار بشریتند. ستاره های درخشان آسمان تحقیق، پژوهش، نویسندگی، تدبر، فهم و ارائه مطلب هستند. در مقابله با شبهات، در دفاع از دین، بهترین مجاهدین را ما داریم. علامه امینی می نویسد: ده هزار کتاب را از باء بسم الله تا تاء تمت خواندهام و صد هزار کتاب را برای نوشتن الغدیر مراجعه داشتم. چنین همتیایی حوزه شیعه را آبرو داده، قوام داده، ریشه دار کرده است «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا».

پیرو همین بحث اهمیت قلم و نویسندگی، درحوزه ها شاید آثاری هم نگاشته شود ولی اگر بخواهیم شاخصی در نظر بگیریم و نمره ای به آثار انتشار یافته بدهیم، شاید تعداد آثار پژوهشی و عمیق خیلی کم باشد. به عبارتی تسلط بر نوشتن قطعاً نمی تواند برای یک اثر ماندگار کافی باشد.

بله، بعد دیگر قضیه همین است که قرآن کریم گروهی را دعوت به حضور در مراکز علمی کرده و مذمت میکند امت را که چرا به این امر

مهم قیام نمیکنید.» فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (122) توبه). فقه فهم عمیق است و فهم عمیق با فهم سطحی فرق آن این است برخی فقط می شنوند و کاری به اسناد و منابع ندارند ولی افرادی هستند که اهل تدبر و تحقیق و تدبیر هستند.

مسئله تحقیق در کنار مسأله تعقل و ژرف اندیشی خودش در رشد علوم بسیار مهم بوده است. انسانی که فقط به شنیده های خودش بسنده می کند، با کسی که هر چه شنید می رود پی آن، ریشه ها و منابعش را پیدا میکند، صحت و سقم آنرا استخراج میکند، نقاط ضعف و قوتش را ارزیابی میکند این میشود یک چشمه جوشان. آن کسی که مللاً روزنامه ای است بدون سند و منبع می شنود و بعد به دیگران منتقل می کند، یک آدم سطحی است. فقیه نیست. فهم عمیق ندارد. بیریشه است. با یک بادی میآید و با یک بادی می رود. اما عالم دینی که مکلف است به اظهار قول سدید، عالم دینی چه قول کتابتی اش و چه قول حرفیاش باید سدید باشد. چه زمانی می تواند قول سدید باشد آن وقتی که همه آراء را، همه اقوال را و همه نظرات را ببیند و روی هر کدام دقت کافی کند و آرای دیگران را در جمع بندی به رأی خودش اضافه کند و اگر خودش به چیز جدیدی رسید، آن را اضافه کند. این میشود سیر تکامل در علم. یک قدم دیگران آمدند و قدم دوم ما. آنچه که آنها دادند ما همراه خودمان می آوریم خودمان با نظریات بدیعی که با تعمق در مسئله و تفکر در مسأله پیدا میکنیم این را اضافه کنیم. این روش است که موجب حرکت باثبات و صلاح و قول سدید می شود.

در تاریخ تشیع و تاریخ اسلام نیز اگر نظری بیافکنیم افرادی را می بینیم که راز ماندگاریشان در تاریخ به همین کیفیت برخوردشان با کار علمی بر می گردد. به نظر حضرتعالی چرا این روحیه و این نگاه الان کمتر به چشم می خورد؟ بزرگان ما سیره عملیشان در طول تاریخ آسمان تشیع پرستاره است. چه بسیار تحقیقات عمیق و گسترده ای در ابعاد مختلف که داشته اند. مرحوم سید محسن جبل العالملی و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی این دو بزرگوار، عظمت شیعه را در موضوع قلم و تحقیق نشان دادهاند. اینها قدم برجستهای برداشتند و حق مطلب را در زمان خودشان ادا کردند. گروهی از عامه شیعه را متهم میکردند که صاحب تحقیق و قلم نیستند. مرحوم صاحب اعلام الشیعه آمد علمای شیعه را با آثارشان معرفی کرد. «الذریعه» را نوشتند و تصنیفات علمای شیعه را به ظهور رساندند. دیگران ندارند آنچه که اسلاف ما برای ما افتخار آفریدند. بنابراین کتاب، سنت و سیره گذشتگان ما اقتضای این معنا را دارد که ما هم طلبه هایمان را در مسیر صلاح و ثبات قرار دهیم و اینها را مجهز به قلم و آراسته به روح تحقیق، پژوهش و توجه به اقوال صاحب نظران و دارای قدرت نقد و بررسی و اضافه قرار دهیم؛ اگر این شد، میشود یک انسان برجسته قابل ارائه به جهان معاصر با این همه دشمنان و شبهات. ما علمای زندهای می خواهیم که مثل دریا بجوشند. جواهرات گذشتگان را در دریای وجودشان داشته باشند و هم جوشش آنها آیندگان را به حرکت دریاورد. ما هم در این جهت باید طلبه هایمان را آشنا کنیم با همت بزرگانی مثل محقق حلی، مثل علامه حلی، شیخ طوسی، شیخ صدوق، یا در متأخرین؛ کسانی که در کلام و موضوعات دیگر کار کردند مثل علامه امینی، ایشان می گویند من 100 هزار کتاب را دیدم و مراجعه کردم و 10 هزار کتاب از اهل سنت را از اول تا آخر خواندم. ما اینها را داریم. این پهلوان ها و قهرمانان عرصه تحقیق. برای ما خیلی شرمندگی است که با داشتن این اختران و مشعل های فروزان ما بطالت داشته باشیم و راه آنها را نیماییم. امیدوارم حضرت مستطاب عالی که بحمدالله توفیق دارید چند سالی قدم گذاشتهاید زمینه هایی را برای طلاب علوم دینی آماده کنید تا طلاب معاصر ما هم انشاءالله بتوانند با آن روحیه هر کدام اقیانوسی شوند که بجوشند و مسیر علم را رشد دهند.

در پایان چه توصیه ای به طلاب دارید؟

علم مقدمه بندگی است و انسان علم می آموزد تا راه بندگی را شناسایی کند و خدا را بنده باشد. خداوند تنها چیزی که در زندگی از ما خواسته، بندگی است. این اساس اگر درست شد، یک طلبه درس بخواند جهاد است، مطالعه کند جهاد است، تحقیق کند جهاد است، نویسندگی کند جهاد است و همه اینها زمینه بندگی بیشتر را فراهم می آورد.

با سپاس از وقتی که در اختیار محفل قرار دادید.

شماره هفتم محفل